

فصل نامه علمی پژوهشنامه تاریخ اسلام
سال سیزدهم، شماره پنجاهم، تابستان ۱۴۰۲
مقاله پژوهشی، صفحات ۶۳-۸۰

رشد و گسترش اخباری گری در بحرین سده ۱۱ و ۱۲ هجری

فرشید لاری منفرد^۱

چکیده

اخباری گری یکی از مهم ترین مکاتب فقهی تشیع است. روش این فرقه برای دستیابی به احکام شرعی، پیروی از اخبار و احادیث است. این مکتب فقهی در اوایل قرن یازدهم هجری توسط محمدامین استرآبادی (متوفای ۱۰۳۶) و با نگارش کتاب *فوائد المدنیه* در قالبی نو مطرح و احیا شد و به سرعت در سرزمین های اسلامی گسترش یافت. سرزمین بحرین به دلیل پیشینه حدیث گرایی و تشابهات فرهنگی و مذهبی با ایران عهد صفوی به سرعت از این جریان فکری متأثر شد؛ به طوری که بنا بر تصریح منابع تاریخی، بحرین مرکز اصلی جریان اخباری گری شده بود. این پژوهش بر آن است تا با رویکرد توصیفی - تحلیلی و بر اساس منابع کتابخانه ای به بررسی و تبیین دلایل رشد و گسترش این مکتب فقهی در بحرین بپردازد. سوال اصلی پژوهش این است که چه عواملی موجب رشد و گسترش اخباری گری در بحرین در سده ۱۱ و ۱۲ هجری شد؟ یافته های پژوهش نشان می دهد که عواملی همچون تأثیرپذیری از مکتب اخباری گری دوره صفوی، وجود سنت علم الحدیث در بحرین و تضعیف جایگاه علمای اصولی در آن سرزمین موجب رشد و گسترش اخباری گری در بحرین شد.

کلیدواژه ها: اخباری گری، اصولیان، بحرین، تاریخ حدیث، صفویه.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. farshid.lari.th@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۰۲/۰۸/۰۹

تاریخ دریافت: ۰۲/۰۵/۱۲

The Growth and Expansion of the Traditionalism (Akhbāriyyūn) in Bahrain during the 11 and 12th Centuries

Farshid Lari Monfared¹

Abstract

Traditionalism (Akhbāriyyūn) is one of the most significant jurisprudential schools within Shi'ite. This sect's method for deriving religious rulings is based on adherence to narratives and ḥadīths. This jurisprudential school was introduced and revitalized in the early 11th century AH by Muḥammad 'Amīn 'Astarābādī (d. 1036) through the writing of the book *Fawā'id al Madaniyyah* in a novel format, and it quickly spread throughout the Islamic lands. Bahrain, due to its historical background in ḥadīth scholarship and cultural and religious similarities with Safavid Iran, was rapidly influenced by this intellectual movement. Historical sources explicitly state that Bahrain became the main center of the Traditionalism (Akhbāriyyūn). This study aims to examine and elucidate the reasons for the growth and expansion of this jurisprudential school in Bahrain through a descriptive-analytical approach based on library resources. The primary research question is: What factors contributed to the growth and expansion of Traditionalism (Akhbāriyyūn) in Bahrain during the 11 and 12th Hijri centuries? The findings indicate that factors such as the influence of the Traditionalism (Akhbāriyyūn) school during Safavid period, the presence of ḥadīth scholarship traditions in Bahrain, and weakening of the position of Uṣūlī scholars in that region contributed to growth and expansion of Traditionalism (Akhbāriyyūn) in Bahrain.

Keywords: Traditionalism (Akhbāriyyūn), Uṣūlīs, Bahrain, History of Ḥadīth, Safavid.

1. PhD candidate of History of Islam, University of Isfahan, Isfahan, Iran. Farshid.lari.th@gmail.com

درآمد

از مهم‌ترین مکاتب فقهی شیعه، اخباری‌گری است که معتقد به پیروی از اخبار و روایات است. گرایش پیروان این مکتب، به استفاده از روایات معصومین و دوری گزیدن از منابع معرفتی دیگر، مانند قرآن و عقل است. در مقابل اینها فقیهان هوادار اجتهاد قرار می‌گیرند که به‌عنوان اصولیون شناخته می‌شوند. پیشوای نوین مکتب اخباری‌گری در دوران متاخر، محمدامین استرآبادی (متوفای ۱۰۳۶) است که با تدوین کتاب *الفوائد الملهیه* این حرکت را در قالبی نو مطرح و احیا کرد. این مکتب فقهی، در دوره‌های بعد با بهره گرفتن از فضای مناسبی که در دوران صفویه ایجاد شده بود و نیز تفکر تهاجمی نسل‌های اولیه اخباریان، توانست در حوزه‌های علمیه نیز جلوه‌گری کند و تفکر اجتهادی شیعه را مدت زمانی تحت تأثیر خود قرار دهد. به هر روی، وجود راویان و محدثان برجسته بحرانی^۱ و علاقه آنان به علم حدیث در شکل‌گیری و گسترش اندیشه اخباری‌گری در سرزمین بحرین^۲ تأثیرگذار بوده‌است. به طوری که از قرن یازدهم تا دوازدهم هجری، این منطقه یکی از مراکز مهم اخباری‌گری و حتی در دوره‌ای مرکز نشر این مکتب فقهی محسوب می‌شود.

پیشینه پژوهش

در بسیاری از پژوهش‌های حدیثی، رجالی و کلامی به وضع اخباری‌گری در بحرین اشاره شده‌است؛ با این حال بیشتر این آثار به بررسی باورها، شرح زندگانی و تألیفات اخباریان پرداخته‌اند و کمتر به تبیین دلایل رشد و گسترش اخباری‌گری در آن سرزمین توجه کرده‌اند. آل‌سیدغفور در کتاب *جایگاه سیاسی عالم دینی در دو مکتب اخباری و*

۱. بحرانی یا بحارنه اصطلاحی است که به شیعیان بحرین، احساء و قطیف اطلاق می‌شود و عمدتاً از سه قبیله بنی‌عبدالقیس، بکرین‌وائل، بنی‌تمیم هستند (انصاری، ۱۴).

۲. در اوایل دوره اسلامی تا قرن هفتم هجری از این جزیره با عنوان «اوال» یاد می‌شد (ابن‌اثیر، ۵۷/۲۰). با وجود این، بحرین از پیش از اسلام و تا حدود قرن هفتم به همه سرزمین‌های ساحل جنوبی خلیج فارس، بین بصره و عمان اطلاق می‌شد که شامل همه مناطق جنوبی خلیج فارس از جمله خود جزیره بحرین امروزی، قطر، قطیف، احساء تا کویت و جنوب بصره می‌شده‌است (یاقوت حموی، ۴۴۵/۱؛ قزوینی، ۷۷-۷۸).

اصولی و مدرسی (۱۳۸۶ش) و نیز در کتاب مقدمه‌ای بر فقه شیعه (۱۳۶۸ش) به پیدایش مکتب اخباری و اصولی و مقایسه دیدگاه‌های علمای این مکاتب فقهی پرداخته است. با این وجود، در این آثار اشاره‌ای به عوامل تأثیرگذار بر رشد اخباری‌گری در بحرین نشده است. از دیگر تألیفات صورت گرفته در این زمینه می‌توان به اثر صفره (۱۳۸۵ش) با عنوان تاریخ حدیث شیعه در سده‌های دوازدهم و سیزدهم هجری و کتاب اخباری‌گری: تاریخ و عقاید تألیف بهشتی (۱۳۹۰ش) اشاره کرد که به گستره جغرافیایی اخباری‌گری و دیدگاه‌ها و آثار برخی از محدثان بحرینی پرداخته و اشاراتی نیز به وضع اخباری‌گری در این سرزمین داشته‌اند. علاوه بر این، مقاله «البحرین فی العهدین الصفوی و القاجاری: دور الدوله فی التجاذب الاصولی الاخباری»^۱ تألیف ابراهیم (۱۹۵۵م) نیز به اقدامات علمای اخباری و اصولی بحرین و نقش دولت صفوی در گسترش مراکز دینی توجه کرده است. این مقاله نیز اشاره روشنی به دلایل رونق و گسترش مکتب اخباری‌گری در این سرزمین ندارد. برخی از کتب تراجم نظیر کتاب لؤلؤه البحرین فی الاجازات و تراجم رجال الحدیث تألیف بحرانی (۲۰۰۸م) و کتاب انوار البدرین فی تراجم علماء القطیف و الاحساء و البحرین اثر بحرانی (۱۹۸۷م) به زندگی برخی از علمای اخباری بحرین، آثار آنان و مناظراتی که با علمای اصولی داشته‌اند، پرداخته‌اند اما به عوامل مؤثر بر رشد و رونق این جریان فکری در بحرین هیچ اشاره‌ای نکرده‌اند. کتاب تاریخ حدیث بحرین اثر سلیمانی آشتیانی (۱۴۰۰ش) نیز از دیگر آثاری است که ضمن اشاره مختصر به جریان اخباری در بحرین و آثار محدثان بحرینی، به عوامل و زمینه‌های ظهور جریان اخباری در این سرزمین اشاره‌ای نکرده است. آثاری که به زبان انگلیسی درباره مکتب اخباری‌گری در بحرین نوشته شده نیز به دلایل گسترش این مکتب فقهی در بحرین اشاره چندانی ندارند. مقاله کول^۲ (۱۹۸۵م) با عنوان «*Shii Clerics in Iraq and Iran 1722-1780: The Akhbari-Usuli Conflict Reconsidered*»^۳ به طور بسیار خلاصه فقط به تأثیر شیخ یوسف بحرانی

۱. بحرین در عهد صفوی و قاجار: نقش دولت در منازعات اصولیان و اخباریان.

2. Juan Cole

۳. روحانیت شیعه در عراق و ایران ۱۷۲۲-۱۷۸۰: منازعات اخباری و اصولی.

تربیت شاگردان و تعدیل اخباری‌گری پرداخته است. همچنین رشید (۲۰۲۰م) در مقاله «*The Divine Gaps between the usuli and Akhbari in Bahrain: Causes and Repercussions*»^۱ ضمن اشاره مختصر به سابقه اخباری‌گری در بحرین، نزاع و تقابل دو جریان اصولی و اخباری در دوران معاصر بحرین را بررسی کرده، اما ریشه‌های این جریان و فراز و فرودهای آن را نادیده گرفته است. با این حال، تمام پژوهش‌های موجود به‌ویژه آثار نویسندگان غربی در این باره احصاء و مقایسه شده تا خوانشی نو از وضعیت اخباری‌گری در بحرین ارائه شود. از این‌رو، پژوهش حاضر می‌کوشد با نگاهی جامع و تحلیلی به این پرسش پاسخ دهد که مهم‌ترین دلایل رشد و گسترش جریان اخباری در بحرین در سده ۱۱ تا ۱۲ هجری چیست؟

اخباری‌گری: سیر تاریخی و باورها

واژه فقه در لغت به معنای فهم دقائق، فهم غرض متکلم از کلامش و سرعت انتقال (شهابی، ۳۱/۱) و در اصطلاح روشی است که به وسیله آن احکام شرعی را از ادله تفصیلی (قرآن، سنت، اجماع و عقل) به دست می‌آورند (شب‌خیز، ۱۱۳). در تعریف مکتب نیز گفته شده است: «مجموع عقاید و آرای مورد قبول گروهی، یا شیوه خاصی از تفکر است» (انوری، ۷/۷۲۸۸). بنابراین می‌توان گفت: مکتب فقهی مجموع ویژگی‌های موجود در طریق استنباط، مبتنی بر مرام استقلالی در شیوه استنباط و استدلال است که موجب تحول در مباحث اصولی و قواعد فقهی می‌شود (برزنونی، ۱۱۸-۱۱۷).

پس از غیبت کبری، روح نص محوری و جریان اخباری‌گری بر برخی حوزه‌های شیعی غلبه یافت و در اواخر قرن سوم، میان فقیهان و عالمان شیعی رایج شد. پس از حمله‌های تند و شدید شیخ مفید (متوفای ۴۱۳) و سید رضی (متوفای ۴۰۶)، اخباری‌گری محوریت خود را در میان علمای شیعه از دست داد (استرآبادی، ۳۶-۳۷). شیخ یوسف بحرانی (متوفای ۱۱۸۶) نیز در *الحدائق الناضرة*، پیدایش مسلک اخباری‌گری را به شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱) نسبت می‌دهد و از او به‌عنوان رئیس اخباریان یاد می‌کند (بحرانی، *الحدائق*، ۱/۱۷۰). با وجود این، احیا این مکتب فقهی در

۱. شکاف الهی بین مکتب اصولی و اخباری در بحرین: علل و پیامدها.

دوره متأخر، توسط ملا محمد امین استرآبادی صورت گرفته است. چنان که عموم نویسندگان معاصر نیز به نقش وی در احیا مکتب اخباری‌گری اشاره کرده‌اند (بحرانی، *لؤلؤه*، ۱۱۷؛ کشمیری، ۴۱).

استرآبادی در کتاب *الفوائد المذنیة* دفاع از اخبار را مهمترین انگیزه خود در این حرکت دانسته است (استرآبادی و موسوی، ۱۰). این کتاب نقش تعیین کننده‌ای در پیروزی اخباری‌گری و شکست مجتهدان داشت (طباطبایی، ۲۱۷؛ جعفری، ۴۱). وی به طور خاص به خاطر رواج عناصر نقد حدیث اهل سنت منتقد نقد حدیث اهل سنت و منتقد علامه حلی (متوفای ۷۲۶) بود (احمدوند و طاووسی، ۱۶۲). اخباری‌ها می‌گفتند که هر کس باید مستقیماً از امام معصوم پیروی کند نه از طریق تقلید از مجتهدان و یا میانجیگری آنان^۱ (حائری، ۸۶؛ استرآبادی و موسوی، ۴۰). از نظر آنان مراجعه به قرآن و حدیث راه رسیدن به احکام است. در یک کلام، اخباریان اجتهاد را رد می‌کنند (احمدوند و طاووسی، ۱۷۴). اخباریان و اصولیان در اصول و فروع عقاید با هم اشتراک نظر دارند. اختلاف آنان با اصولیون فقط در منهج علمی، روش و طریقه وصول به حکم شرعی است (حکیم، ۲۳). در حقیقت، اخباریان تمامی معیارها و ضوابط روش اصولی را انکار نمی‌کنند بلکه تنها آن دسته از ضوابط اصولی را رد می‌کنند که از سوی احادیث ائمه تأیید نشده‌است (مادلونگ، ۵۱). اخباری‌ها همچنین بر این باور بودند که همه حدیث‌هایی که در چهار کتاب مشهور شیعه گردآوری شده درست است و هیچ یک از احادیث متضاد را هم نبایستی بر دیگری ترجیح داد (حائری، ۸۶؛ آل‌سیدغفور، ۷۹).

به هر رو، اخباری‌گری در طول قرن یازدهم و نیمه نخستین قرن دوازدهم مکتب غالب فقهی تمام مراکز علمی شیعه شد؛ به گونه‌ای که در بررسی تاریخ فقه شیعه در میانه قرن مزبور نام هیچ فقیه اصولی مهمی وجود ندارد (مدرسی طباطبایی، ۶۰). با وجود این، در اواخر سلطه اخباریان، که دانشمندان آنان راه اعتدال را در پیش گرفته بودند، وحید بهبهانی (متوفای ۱۲۰۶) در برابر تفکر اخباری‌گری برخاست (مکارم

۱. گرچه علمای اخباری از شیعه نیز «اجتهاد» را حرام می‌دانند لکن از ظاهر عبارت «و ما عدا الائمة عاملون بالرأی و الاجتهاد» چنان برمی‌آید که مراد اجتهاد در برابر ائمه است نه اجتهاد به استناد کلمات ائمه (شهابی، ۲۸۸/۲).

شیرازی، ۱۲۷). سرانجام در نیمه دوم قرن دوازدهم پس از سال‌ها حکومت بلامنازع اخباریان بر فقه شیعی با تلاش‌های محمدباقر بهبهانی و شاگردانی چون کاشف الغطا (متوفای ۱۲۲۷)، نراقی (متوفای ۱۲۴۵) و نجفی (متوفای ۱۲۶۶) این مکتب فقهی به حاشیه رفت و امروزه اخباری‌ها بسیار در اقلیت هستند (مدرسی طباطبایی، ۶۰؛ مشکور، ۴۲-۴۰؛ آل‌سیدغفور، ۷۹).

دلایل رشد و گسترش جریان اخباری‌گری در بحرین

یکی از مکاتب مهم فقهی که در دوره متأخر رشد و گسترش چشمگیری داشت، مکتب اخباری‌گری بود. به گونه‌ای که بحرین در قرن یازدهم تا دوازدهم هجری از حیث رواج اخباری‌گری، حضور علمای اخباری، کثرت تألیفات فقهی از کانون‌های اصلی این جریان فکری بود. گلی زواره (۴۶) در خصوص رواج جریان اصولی و اخباری در بحرین می‌نویسد: «با آنکه گرایش اصولیان در نسل‌های بعد از قرن دهم هجری پویندگانی چون ماجد بن علی بحرانی و ماجد بن فلاح بحرانی داشت، اما از سده یازدهم هجری گرایش اخباری در حوزه‌های فقهی بحرین اهمیت افزون‌تری یافت». تاریخ نیز گویای آن است که این تفکر در منطقه بحرین، طرفداران بیشتری یافت؛ به گونه‌ای که این سامان در دوره‌های بعد به مرکزی برای اخباریان تبدیل شد (Gleave, 158). در واقع، بعد از تألیف کتاب *الفوائد المدنیه* محمدامین استرآبادی و اخباری شدن بسیاری از علمای ایران و عراق، این مسلک بیش از همه‌جا در بحرین رخنه کرد (پوراکبر و خدایاری، ۲۹۴). شاگردان او نقش مهمی در ترویج و تبلیغ جریان اخباری در بحرین داشتند (Gleave, 160). مدرسی طباطبایی (۵۹) نیز درباره رونق این مکتب فقهی در بحرین می‌گوید: «مرکز اصلی گرایش اخباری‌گری در قرن دوازدهم بحرین بود و پس از زوال اخباری‌گری در ایران و عراق، هم‌چنان در آن منطقه باقی ماند و تا امروز در آن دیار مسلط و متبع است» (نیز نک. احمدوند و طاووسی، ۱۵۳). از مهم‌ترین خاندان‌های شیعه اخباری در بحرین می‌توان به خاندان‌های الستری، آل‌عصفور و المدنی اشاره کرد (Alrasheed, 9).

به هر رو، این مکتب فقهی در تمام سرزمین بحرین به‌ویژه در روستای الدراز^۱ رونق قابل توجهی داشت، به طوری که فواد ابراهیم (۱۵۴) این روستا را یکی از مواطن اصلی اخباری‌گری و پایگاهی برای گسترش این جریان به مناطق دیگر ذکر کرده است. الدراز خاستگاه محدثان برجسته اخباری بود، که از قرن یازدهم تا دوازدهم هجری نقش مهمی در رونق و گسترش این مکتب فقهی داشتند: شیخ یوسف بحرانی آل‌عصفور^۲، شیخ حسین بن محمد آل‌عصفور، حسین بن احمد آل‌عصفور، ابراهیم بن احمد آل‌عصفور، احمد بن ابراهیم الدرازی، محمد بن احمد آل‌عصفور و شیخ عبدعلی بن احمد آل‌عصفور^۳ از جمله علمای اخباری برخاسته از این روستا بودند (بحرانی، /نوار، ۱۹۳، ۲۰۳، ۲۰۵، ۲۰۷؛ آل‌عصفور، ۱/۴۶، ۴۸، ۷۵، ۸۸؛ جنبی، ۱۴۲؛ یوسفی اشکوری، ۷۲/۲). افزون‌بر الدراز، در دیگر شهرها و روستاهای بحرین نیز علمای اخباری حضور چشمگیری داشتند. به‌عنوان مثال سید هاشم بحرانی (متوفای ۱۱۰۷)^۴ از علمای شاخص اخباری بحرین نیز در روستای توبلی^۵ در ترویج و تبلیغ مکتب اخباری‌گری اهتمام ویژه داشت (خوانساری، ۱۸۳/۸). بحرین همچنین مسکن و مأوای عالم بزرگ مذهب اخباری

۱. یکی از روستاهای بزرگ شیعه که در قسمت جنوب غربی جزیره اوال و بین روستاهای باربار و البدیع واقع شده‌است و در جنوب آن روستای بنی جمره قرار دارد (جنبی، ۱۴۱).
۲. شیخ یوسف بحرانی از علمای شاخص و معتدل اخباری بحرین بود که در نتیجه اضطرابات سیاسی در بحرین به ایران مهاجرت کرد. وی در ایران علاوه‌بر نگارش ده‌ها کتاب و رساله به تدریس و پاسخ دادن به سوالات دینی پرداخت. از جمله آثار وی می‌توان به *الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة*، *لولوه البحرین*، *الدرر النجفیة*، *سلاسل الحديد فی تقیید ابن ابی الحديد* و *الرد علیہ فی شرح لنهج البلاغة*، *جلس الحاضر و انیس المسافر* و ده‌ها رساله دیگر اشاره کرد (بحرانی، *الحدائق*، ۱/۱۳-۱۲؛ بحرانی، *لولوه*، ۱۷؛ مدرس، ۱/۲۴۱).
۳. عبدعلی بن احمد برادر شیخ یوسف [صاحب حدائق] در کتاب *احیاء معالم الشیعة* حدود چهل محل نزاع میان اخباریان و مجتهدان را شرح داده است (احمدوند، ۱۵۲-۱۵۱).
۴. سید هاشم بحرانی (متوفای ۱۱۰۷) از دیگر علمای برجسته اخباری بحرین به شمار می‌رود. از آثار مهم او می‌توان به *البرهان فی تفسیر القرآن* در شش جلد، *ترتیب التهذیب*، *المعالم الزلفی فی المعارف*، *النشاه الاولى و الاخری*، *الدر التفسیر فی فضائل الحسین (ع)* اشاره کرد (بحرانی، *لولوه*، ۱۷).
۵. از روستاهای بزرگ بحرین که در شرق این جزیره و غرب جزیره ستره قرار دارد. این روستاها از بقایای دو روستای کتکان و مری تشکیل شده‌است (جنبی، ۱۲۲-۱۲۱).

در سده یازدهم هجری، شیخ علی بن سلیمان بن حسین بن سلیمان بن درویش بن حاتم بحرانی (متوفای ۱۰۶۴) ملقب به زین الدین بود. وی گرایش اخباری را برای اولین بار از ایران به بحرین برد و در آن سرزمین رواج داد (تنکابنی، ۲۷۸-۲۷۷؛ ماحوزی، ۷۴). پس از وی، عالم فقیه شیخ سلیمان ماحوزی بحرینی (متوفای ۱۰۶۲)^۱ و بعد از او شاگردان وی، این مسلک را در آن بلاد توسعه دادند به طوری که بحرین، مرکز اخباری‌ها شد (پوراکبر و خدایاری، ۲۹۴). از دیگر اخباریان سرشناس بحرین نیز می‌توان به عبدالله بن صالح بن جمعه سماهیجی (متوفای ۱۱۳۵) اشاره کرد. وی در کتاب *منیه الممارسین*، خود را «خادم المحدثین و تراب اقدم علماء الاخباریین» دانسته است (سلیمانی آشتیانی، ۴۵۱-۴۵۰). بدین سان، حضور خاندان‌ها و شخصیت‌های شاخص و برجسته اخباری در بحرین مؤید و مبین رواج و رونق این جریان فکری در این سرزمین است. به همین دلیل، بحرانی (لؤلوه، ۱۷) معتقد است: در قرن یازدهم هجری بحرین مرکز اخباری‌گری بود و به جز چند نفر، سایر علمای آن سرزمین اخباری بودند.

با این قرائن، مجموعه عوامل مختلفی در رشد و گسترش جریان اخباری‌گری در بحرین نقش داشته‌اند که به ترتیب اهمیت عبارت‌اند از:

۱- تأثیرپذیری از مکتب اخباری‌گری ایران صفوی

مقارن با فشارهای مذهبی حکام سنی مذهب بحرین، دولت صفوی (۹۰۷-۱۱۳۵) در ایران مذهب شیعه را مذهب رسمی کشور اعلام کرد و به حمایت و ترویج این مذهب پرداخت. این دولت در راستای ترویج مذهب شیعه، عالمان شیعی سرزمین‌های مختلف را با آغوش باز پذیرا شد و همین امر باعث مهاجرت بسیاری از عالمان شیعی غیرایرانی از عراق، لبنان و بحرین به ایران شد. علمای بحرینی به طرق مختلف خود را

۱. شیخ سلیمان معروف به محقق بحرانی از علمای بزرگ اخباری بحرین است که پس از سید هاشم بحرانی ریاست مذهبی شیعیان این سرزمین را برعهده داشت. از جمله برجسته‌ترین شاگردان وی نیز می‌توان به عبدالله صالح سماهیجی بحرانی (متوفای ۱۱۳۵) اشاره کرد. از جمله آثار وی می‌توان به *العشره الکامله* درباره اصول فقه، *اجتهاد و تقلید*، کتاب *السلفی فی الحکمه النظریه، الزهار الریاض*، *فهرست علماء البحرین* [شرح حال ۳۳ نفر از علمای بحرین]، *فهرست آل‌بویه* [شرح حال ۲۲ نفر از علمای بویه] و ده‌ها رساله دیگر اشاره کرد (بحرانی، *انوار*، ۱۳۵-۱۳۱؛ مهتدی بحرانی، ۲۲۳).

به ایران رساندند و مورد حمایت دولت نو تأسیس شیعی صفوی قرار گرفتند. سیوری (۲۹) در خصوص دلیل دعوت از علمای شیعه در ابتدای تشکیل دولت صفوی آورده است: «بعد از اعلام تشیع اثنی عشری به عنوان مذهب رسمی کشور از سوی شاه اسماعیل، نیاز عاجلی برای برقراری همگونی فکری از طریق ارشاد و تسریع اشاعه عقاید شیعی پدید آمد». وی در آغاز سلطنت خویش نامه‌ای برای عالمان بحرین، کوفه، حله و جبل عامل نوشت و آنان را برای نشر معارف و اجرای احکام تشیع به ایران دعوت کرد (طباطبایی، ۷۳). در آن زمان بحرین به همراه جبل عامل لبنان و شهرهای کربلا و نجف در عراق از مراکز مهم شیعیان عرب به شمار می‌رفت. بر همین اساس، دولت تازه تأسیس صفوی که نیاز اساسی به روحانیت شیعه داشت زمینه مهاجرت و حمایت از روحانیون شیعه را فراهم آورد (Alrasheed, 6).

علاوه بر این، در آن دوره وجود عالمان برجسته نظیر شیخ بهایی (متوفای ۱۰۳۱) و علامه مجلسی (متوفای ۱۱۱۰) در اصفهان، زمینه حضور فقهای بحرانی را در این شهر فراهم آورد. از مهم‌ترین جاذبه‌های اصفهان باید به حوزه گرم و پرفروغ حدیثی این شهر اشاره کرد. نگاهی به شاگردان و اجازه گیرندگان بحرانی شیخ بهایی و بعدها علامه مجلسی و دیگر بزرگان اصفهان نشان از پیوند حوزه بحرین و اصفهان دارد (سلیمانی آشتیانی، ۳۹۰). جعفریان («روابط علمای بحرین...») نیز با تأکید بر مرکزیت مذهبی و علمی اصفهان در عهد صفوی و تأثیر آن در مهاجرت علمای بحرینی آورده است: از وقتی که جریان اخباری‌گری در میانه قرن یازدهم هجری تقویت شد، اصفهان برای بحرینی‌ها جذاب‌تر شد. آنها نزد عالمان این شهر به خصوص علامه مجلسی (متوفای ۱۱۱۰) می‌آمدند، اجازه حدیث می‌گرفتند و خود نیز در درس و تدریس مشارکت داشتند. از جمله شاگردان برجسته علامه، می‌توان به عبدالله بن نورالله بحرانی اشاره کرد. وی در دوره صفوی راهی ایران شد و در اصفهان به کسب علم و دانش پرداخت. او بیشترین سود علمی را از محفل علامه مجلسی کسب کرد و به عنوان شاگرد علامه شناخته شد. مجلسی در تألیف *بحار الانوار* از او بهره گرفته است (آقابزرگ طهرانی، ۳۵۶/۱۵؛ پوراکبر و خدایاری، ۳۸۵). مشهورترین تألیف علامه ملاعبدالله بحرانی، کتاب *عوامل العلوم و المعارف موسوم به جامع العلوم و المعارف و*

الاحوال من الایات و الاخبار و الاقوال است، این اثر همچون بحار الانوار، از شاهکارهای آثار شیعه و حجیم‌تر از بحار الانوار بود. وی در مجلدات قطور این کتاب، همانند بحار الانوار اخبار وارده از خاندان عصمت و طهارت را در چندین مجلد بزرگ گردآوری کرد (آقابزرگ طهرانی، ۳۶۵/۱۵؛ خوانساری، ۲۵۵/۴). افزون‌بر این، در آن زمان جماعتی از شخصیت‌های بحرین نزد شیخ بهایی بودند (امین، ۲۴۱/۹). از جمله این افراد می‌توان به شیخ زین الدین علی بن سلیمان بن درویش بن حاتم قدمی بحرانی (متوفای ۱۰۶۴) اشاره کرد. وی پس از مهاجرت به اصفهان و کسب حدیث از محضر شیخ بهایی به بحرین بازگشت. او نخستین کسی بود که علم حدیث را در بحرین نشر داد (بحرانی، لؤلؤه، ۱۵). از دیگر عالمان بحرینی که از مکتب اخباری‌گری اصفهان تأثیر پذیرفت می‌توان به سید ماجد بحرانی (متوفای ۱۰۲۸) اشاره کرد. وی نیز مدتی نیز در اصفهان تحصیل کرده و از استادانی نظیر شیخ بهایی و محمد بن احمد بن خاتون بهره برد (همان، ۱۳۲؛ آقابزرگ طهرانی، ۲۱۰/۱۲). علاوه‌بر وی، نام بسیاری از علمای بحرین از جمله سید عبدالکریم جزایری، صالح بن جزایری، نورالدین علی بن عبدالعزیز بحرانی، احمد بن عبدالصمد بحرانی و محمد بن یوسف بحرانی در شمار راویان اجازات و آثار شیخ بهایی مشاهده می‌شود (حاج منوچهری، ۳۰). علاوه‌بر این، پیوستگی سیاسی و اشتراکات فراوان فرهنگی و مذهبی میان دو سرزمین باعث شده بود تا بحرین از گذشته تابع تحولات مذهبی ایران باشد. جریانات فقهی و مذهبی رایج در ایران به سرعت در بحرین نیز شایع شده و پیروان فراوانی به دست می‌آورد. ابراهیم (۱۵۴) در این باره می‌نویسد: «به طور کلی، بحرین در طول تاریخ خویش متأثر از دستاوردهای علمی و فقهی مذهب تشیع در ایران و عراق بوده‌است. به گونه‌ای که در نیمه اول قرن یازدهم و هم زمان با تضعیف جریان اصولی در ایران، سرزمین بحرین نیز تحت تأثیر تحولات سیاسی و مذهبی ایران قرار گرفت و زمینه برای رشد و رونق اخباری‌گری در بحرین فراهم شد».

۲- وجود سنت علم الحدیث بحرین

نگاهی گذرا به تاریخ حدیث در بحرین نشان می‌دهد که مؤلفه‌هایی همچون وجود راویان و محدثان چشم‌گیر، تدوین آثار حدیثی، شکل‌گیری اندیشه‌های تأثیرگذار و

وجود مدارس نقل حدیث همه از شاخصه‌های یک مرکز حدیثی است. حدود صد و بیست نفر از بحرینی‌ها از راویان و محدثان امامان شیعه بوده‌اند و فعالیت حدیثی و عنایت به مباحث مربوط به آن در طول قرن‌ها در این سرزمین ادامه داشته است (سلیمانی آشتیانی و فرمانیان، ۸۲؛ پوراکبر و خدایاری، ۲۴۸)؛ چنان که می‌توان به علامه بحرانی (متوفای ۳۰۸) یا محمد بن عبدالله عبدی بحرانی (متوفای ۴۰۳) اشاره کرد که در قرن پنجم و دارای فعالیت حدیثی بودند (آقابزرگ طهرانی، ۲۴/۲۸۹). علاوه‌بر این، محمد بن محمد بحرانی (متوفای ۵۷۳)، راشد بن ابراهیم (متوفای ۶۰۵)، احمد بن سعید بحرانی (متوفای ۶۷۲) و علی بن سلیمان (متوفای ۷۳۶) از جمله برجسته‌ترین محدثان بحرین از قرن ۶ تا ۸ هجری به شمار می‌روند که دارای فعالیت حدیثی بودند (خوئی، ۱۹۶/۱۸؛ مجلسی، ۱۱۷/۱۰۴؛ نوری، ۲۷۱/۲؛ کحاله، ۱۰۳/۷). بنابراین، سرزمین بحرین از قرون اولیه اسلام تاکنون یکی از حوزه‌های برجسته حدیث شیعه به شمار می‌رفت. افزون‌بر پیشینه حدیثی، وجود محدثان برجسته در این سرزمین نیز که گرایش اخباری داشتند، زمینه‌ساز تألیف کتاب‌ها و رسالات در زمینه جریان اخباری‌گری شد که در رونق و گسترش این مکتب فقهی در بحرین تأثیرگذار بود. از این‌رو، با توجه به رونق علم حدیث در بحرین، حضور چشمگیر عالمان حدیث‌پژوه و اقبال ویژه آنها به حدیث شیعه، این احتمال وجود دارد که گسترش اخباری‌گری در این منطقه متأثر از پیشینه علم حدیث و تألیفات محدثان در آن سرزمین بوده‌است. چنان که سلیمانی آشتیانی و فرمانیان (۸۳) می‌نویسند: در سده‌های یازدهم و دوازدهم و بعد از آن نیز اخباری‌گری وجه غالب محدثان آن منطقه بوده‌است.

در دوران شکوفایی مکتب اخباری در سده‌های یازدهم و دوازدهم هجری به‌سبب اهتمام و اقبال علمای اخباری به علم حدیث، زمینه توجه و نگارش بیش از پیش آثار حدیثی در جهان اسلام به طور عام و بحرین به طور خاص فراهم شد. از جمله کتاب *الوافی* ملا محسن فیض کاشانی (متوفای ۱۰۹۱) و کتاب چند جلدی *تفصیل وسائل الشیعه الی احکام الشریعه* تألیف حر عاملی (متوفای ۱۱۰۴) نقش بسزایی در رشد و گسترش این جریان فکری داشت (احمدوند و طاووسی، ۱۳۴). در آن زمان، برخی از اخباریان بحرین مانند شیخ یوسف بحرانی نگاه اعتدالی داشتند (cole, 14)؛ اما سایر

محدثان بحرین با انتشار کتاب‌ها و رسالات متعدد بر دامنه و حجم فعالیت‌های ضد اجتهادی خود افزودند و در رواج و گسترش اخباری‌گری در بحرین نقش اساسی داشتند. چنان که ابراهیم (۱۵۳) نیز معتقد است نگارش آثاری مانند رساله «الغینه فی مهمات الدین عن تقلید المجتهدین» از سید حسین غریفی، رساله «نفی الاجتهاد و عدم وجوده فی زمن الائمة الامجاد» از شیخ عبدالله سماهیجی، «سلاسل الحديد فی تقييد اهل التقليد» از سید ماجد صادقی و «تحريم صلاه الجمعة» از شیخ سلیمان بن علی بن راشد در رونق اخباری‌گری در بحرین تأثیرگذار بوده‌است (نیز نک. ماحوزی، ۷۶).

نکته تکمیلی در خصوص وجود سنت علم الحديث در بحرین و تأثیر آن بر رونق اخباری‌گری این است که به طور کلی جریان اخباری در فقه شیعه تحت تأثیر علم حديث بوده‌است. درست همان‌طور که مادلونگ (۵۱)، اسلام شناس غربی بر این باور است که مکتب فقهی حديث‌گرای حنبلی از جریان وسیع‌تر اهل الحديث ناشی شده، مکتب فقهی اخباری نیز از جریان گسترده‌تر حديث‌گرایی نشأت گرفته است. بر این اساس، به باور نگارنده حضور ملا محمدامین استرآبادی در مکه و مدینه و تأثیرپذیری او از فضای حدیثی و اخباری آن سرزمین، در شکل‌گیری اندیشه‌های او موثر بوده‌است. به این معنی که فضای حدیثی حاکم بر جامعه مکه و مدینه به‌عنوان یکی از دلایل احیا و رونق اخباری‌گری توسط وی در سده ۱۱ به شمار می‌رود. بدین سبب، به نظر می‌رسد که علاقه و اشتیاق علمای بحرین به اخباری‌گری تا حد زیادی ریشه در خاستگاه و وجود سنت علم الحديث در این منطقه داشته است. به عبارت دیگر، دیرپایی و ظرفیت‌های حدیثی رایج در بحرین خود از عوامل تأثیرگذار بر رونق و گسترش اخباری‌گری در این سرزمین محسوب می‌شود.

۳- تضعیف جایگاه علمای اصولی در بحرین

یکی از علل اصلی تأثیرگذار بر رونق و گسترش اخباری‌گری در بحرین، عاملی به نام «تضعیف جایگاه علمای اصولی» است. به این معنی که جریان اصولی در آن سامان تا پیش از ظهور دولت صفوی از حیث وجود مراکز و حوزه‌های علمی و عالمان برجسته یکی از جریان‌های غالب این منطقه بود. اما هم‌زمان با روی کار آمدن صفویان در ایران، از آغاز قرن دهم هجری محافل فقهی بحرین دو مسیر متفاوت را پی گرفت.

گروهی چون حسین بن علی اوالی از شاگردان محقق کرکی به شیوه اصولیان حله پای‌بند بود. گروهی نیز مانند ابراهیم بن سلیمان مشهور به فاضل قطفی (متوفای ۹۵۰)، رویکرد حدیث‌گرایانه داشتند که افکار آنان با اخباریان ایران قرابتی بسیار داشت (گلی زواره، ۴۵). به‌رغم نیاز دولت صفوی به حمایت مجتهدان در جنگ با عثمانی، آنها به سبب ترس از گسترش جریان اجتهاد از مکتب اخباری‌گری پشتیبانی کردند (سبحانی تبریزی، ۲۵۴؛ بهشتی، ۶۷). این عدم حمایت دولت صفوی از جریان اجتهاد در سرزمین بحرین نیز تأثیرگذار بود. به طوری که علمای اصولی این منطقه حمایت و پشتوانه سیاسی را برای پیشبرد و تبلیغ باورهای فقهی خویش از دست دادند و این خود عاملی برای تضعیف جایگاه آنان و در عین حال رونق و گسترش جریان اخباری در بحرین شد. افزون‌بر این، ابراهیم (۱۵۴) می‌نویسد: «هجوم افغان‌ها به ایران و سقوط دولت صفوی نیز موجب تضعیف مکتب اصولی در بحرین شد. به این دلیل که تعداد بسیاری از خاندان‌های اصولی از بحرین به کربلا و نجف مهاجرت کردند و تحت تأثیر باورهای اخباری آنجا قرار گرفتند و اخباری شدند».

علاوه‌بر این، با توجه به تألیفات صورت گرفته در عصر صفوی، گرایش به تألیف اصولی در مقابل تألیفات فقهی به شکلی آشکار رو به کاستی نهاده بود (حاج منوچهری، ۱۶). از سوی دیگر، در آن زمان مناقشات علمای اخباری با اصولی‌ها و تألیف کتاب‌ها و رسائل متعدد در رد اجتهاد و رواج آن میان مردم زمینه تضعیف جایگاه اصولیون را فراهم کرد. از جمله این افراد می‌توان به عبدالله بن سماهیجی (متوفای ۱۱۳۵) اشاره کرد. چنان که به تصریح منابع تاریخی، او در اهل اجتهاد افراط می‌کرد و در جدا کردن مسلک اخباریان و مجتهدان، اصرار فراوان داشت. وی اشعاری در نکوهش علم اصول و اجتهاد و نیز مدح و ستایش اخباریان سروده است (صفحه، ۳۱۲). او به شدت هر نوع نقش تفسیری مجتهدان را رد می‌کرد و وجود نهاد جداگانه اجتهاد را لازم نمی‌دانست (احمدوند و طاووسی، ۱۱۳). وی آثار زیادی در طعن و رد اصولیون نوشته است. از جمله این آثار می‌توان به رساله‌ای در وجوب نماز جمعه با عنوان «القامعه للبدعه فی ترک صلاه الجمعة» و «اسئله الدمه من عین المانع من الجمعة» در همین موضوع اشاره کرد (سلیمانی آشتیانی، ۳۱۳). ابراهیم (۱۵۳) از دیگر

دلایل ضعف جایگاه اصولیون در بحرین را تألیف کتاب‌ها و رسائل متعدد از سوی اخباریان بحرین درباره حرمت اجتهاد در عصر غیبت و رواج آن در میان مردم می‌داند. براین اساس به‌زعم نگارنده، از یک سو سلب حمایت دولت صفوی از اصولیون و اقدامات خصمانه دولت‌های محلی نسبت به علمای اصولی در بحرین و از سوی دیگر انتشار کتاب‌ها و رسائل متعدد در رد اجتهاد و باورهای اصولی توسط اخباریان این فرصت را به علمای اخباری داد تا با استفاده از شرایط مساعد سیاسی و اجتماعی این منطقه، به تبلیغ و ترویج اخباری‌گری در این سرزمین بپردازند. بنابراین، نوعی تقارن و نزدیکی کامل میان کاهش قدرت و نفوذ اصولیون با روند گسترش اخباری‌گری در آن سامان وجود دارد.

نتیجه

جریان اخباری‌گری مبنایی خاص در فقه شیعه است که از قرن ۱۱ تا ۱۲ هجری از نفوذ و رونق قابل توجهی در بحرین برخوردار بود. چنان‌که آن سامان به مرکز اصلی این مکتب فقهی تبدیل شد. بحرین در سده‌های مذکور یکی از کانون‌های مهم اخباری‌گری و مسکن بسیاری از فقهای اخباری بود. یکی از عوامل مؤثر بر رواج و رونق جریان اخباری در بحرین مهاجرت عالمان بحرینی به اصفهان و تأثیرپذیری آنها از مکتب اخباری‌گری ایران عهد صفوی بود. در آن دوره اصفهان با حضور عالمان برجسته‌ای همچون شیخ بهایی و علامه مجلسی به مرکز اندیشه‌های تشیع و اخباری تبدیل شد. نگاهی به نام بسیاری از روات و شاگردان بحرینی شیخ بهایی و علامه مجلسی بیانگر همین موضوع است. افزون‌بر این وجود سنت علم الحدیث و حضور محدثان برجسته در آن سرزمین نیز در رشد و گسترش اخباری‌گری تأثیرگذار بود. در آن دوره، عالمان اخباری با نگرانش کتاب‌ها و رسالات متعدد زمینه تبلیغ باورهای اخباری‌گری و در عین حال رد عقاید مجتهدان را فراهم کردند. بر این اساس، این عامل نیز نقش بسزایی در رشد و گسترش اخباری‌گری در بحرین داشت. همچنین سلب حمایت سیاسی صفویان از جریان اصولی و تلاش‌های عالمان اخباری بحرین در رد اجتهاد در تضعیف جایگاه اصولیون و متعاقب آن گسترش اخباری‌گری نقش اساسی داشت.

منابع

- ابراهیم، فواد، «البحرین فی العهدین الصفوی و القاجاری؛ دور الدوله فی التجاذب الاصولی الاخباری»، نشریه الواحه، العدد ۲، ربیع الثانی ۱۹۹۵م، ص ۱۵۰-۱۵۵.
- ابن اثیر، عزالدین علی، الکامل، ترجمه عباس خلیلی، تهران، علمی، ۱۳۷۱ش.
- احمدوند، عباس و سعید طاووسی مسرور، فیض کاشانی از منظر خاورشناسان، تهران، مدرسه عالی شهید مطهری، ۱۳۸۸ش.
- استرآبادی، محمدامین و نورالدین موسوی عاملی، الفوائد المدنیه و الشواهد المکیه، قم، نشر اسلامی، ۱۴۲۴.
- استرآبادی، محمدامین، دانشنامه شاهی، تصحیح مهدی حاجیان و علی اکبر زال پور، تهران، حکمت و اندیشه، ۱۳۹۵ش.
- امین، سیدمحسن، اعیان الشیعه، تهران، طبع و نشر، ۱۳۶۷ش.
- انصاری، جلال خالد هارون، تاریخ القبائل العربیه فی السواحل الفارسیه، بی جا، مکتبه علوم النسب، ۲۰۰۸م.
- انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، سخن، ۱۳۸۱ش.
- آقابزرگ طهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، نجف، مطبعه الغری، ۱۳۵۵ش.
- آل سیدغفور، سیدمحسن، جایگاه سیاسی عالم دینی در دو مکتب اخباری و اصولی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۶ش.
- آل عصفور، علی محمدحسن، بعض فقهاء البحرین فی الماضی و الحاضر مع تراجم علماء آل عصفور، بیروت، دارالعصفور، ۱۹۹۳م.
- بحرانی، شیخ علی، انوار البدرین فی تراجم علماء القطیف و الاحساء و البحرین، قم، مطبعه بهمن، ۱۹۸۷م.
- بحرانی، یوسف بن احمد، الحدائق الناضره فی احکام العتره الطاهره، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۹۶ش.
- _____، لؤلؤه البحرین فی الاجازات و تراجم رجال الحدیث، بحرین، فخرای، ۲۰۰۸م.
- برزنونی، محمدعلی، «درآمدی بر چگونگی تکوین مکاتب فقهی در شیعه»، فصلنامه مقالات و بررسی ها، شماره ۷۰، زمستان ۱۳۸۸ش، ص ۱۰۹-۱۴۱.
- بهشتی، ابراهیم، اخباری گری: تاریخ و عقاید، قم، دارالحدیث، ۱۳۹۰.
- پوراکبر، الیاس و علی نقی خدایاری، تاریخ حدیث شیعه در سده های هشتم تا یازدهم هجری، قم، موسسه فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۹۰ش.



- تنکابنی، محمد بن سلیمان، قصص العلماء، تصحیح محمدرضا برزگر و عفت کرباسی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۶ ش.
- جعفری، محمد مهدی، دائره المعارف تشیع، تهران، ادبستان، ۱۳۷۹ ش.
- جعفریان، رسول، «روابط علمای بحرین با ایران در دوره صفوی»، مرکز دائره المعارف اسلامی، ۱۳۹۵ ش؛
- Retrieved June. 27, 2024, from <https://www.cgie.org.ir/fa/news/142060>.
- جنبی، عبدالخالق بن عبدالجلیل، تاریخ التشیع لاهل البیت فی اقلیم البحرین القدیم، بیروت، المحجبه البيضاء، ۲۰۱۴ م.
- حاج منوچهری، فرامرز، «واگرایی‌ها و همگرایی‌های عالمان شیعی و بازتاب آن در اجازات حدیث از عصر شیخ طوسی تا دوران شیخ بهایی»، فصلنامه صحیفه مبین، شماره ۵۳، بهار ۱۳۹۲، ص ۷-۳۸.
- حائری، عبدالهادی، تشیع و مشروعیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴ ش.
- حکیم، سید محمد، الاصولیه و الاخباریه (بین الاسماء و الواقع)، بیروت، دارالهلال، ۲۰۱۳ م.
- خوانساری اصفهانی، سید محمدباقر، روضات الجنات، قم، موسسه اسماعیلیان، ۱۳۹۰ ش.
- خونی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه، قم، دفتر آیت الله العظمی خونی، ۱۳۶۸ ش.
- سبحانی تبریزی، جعفر، ادوار الفقه الامامی، قم، امام صادق (ع)، ۱۴۲۴.
- سلیمانی آشتیانی، مهدی، تاریخ حدیث بحرین، تهران، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۰ ش.
- سلیمانی آشتیانی، مهدی و مهدی فرمانیان، «درآمدی بر تاریخ حدیث شیعه بحرین در عصر حضور» فصلنامه علوم حدیث، شماره ۷۲، شهریور ۱۳۹۳، ص ۸۲-۱۰۳.
- سیوری، راجر، ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۹۵ ش.
- شبخیز، محمدرضا، اصول فقه دانشگاهی، قم، انتشارات لقا، ۱۳۹۲ ش.
- شهابی، محمود، ادوار فقه، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۵ ش.
- صفره، حسین، تاریخ حدیث شیعه در سده‌های دوازدهم و سیزدهم هجری، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۵ ش.
- طباطبایی، محمدکاظم، تاریخ حدیث شیعه (۲)، قم، دارالحدیث، ۱۳۹۵ ش.
- قزوینی، زکریا، آثار العباد و اخبار العباد، ترجمه جهانگیر میرزا قاجار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۴ ش.
- کحاله، عمر رضا، معجم المؤلفین، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۷۶.
- کشمیری، محمدعلی، نجوم السماء، بی‌جا، چاپخانه جعفری، ۱۳۰۳.
- گلی زواره، غلامرضا، «سیری در تاریخ و جغرافیای سرزمین بحرین: تحولات علمی و فرهنگی شیعی در بحرین»، درسهای از مکتب اسلام، شماره ۶۱۴، تابستان ۱۳۹۱ ش، ص ۴۳-۵۰.

- ماحوزی، سلیمان، فهرست آل بابویه و علماء البحرين، تصحيح احمد حسینی، قم، کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴.
- مادلونگ، ویلفرد، «تاریخ و عقاید مکتب اخباری شیعه»، ترجمه حمید عطایی نظری، فصلنامه جهان کتاب، شماره ۱۱ و ۱۲، زمستان ۱۳۸۷ش، ص ۵۱-۵۳.
- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار الائمه الاطهار علیهم السلام، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۶۰ش.
- مدرس، محمدعلی، ریحانه الادب: در شرح احوال و آثار علما و عرفا... فی تراجم المعروفین بالکنیه او اللقب، تهران، خیام، ۱۳۶۹ش.
- مدرسی طباطبایی، سید حسین، مقدمه‌ای بر فقه شیعه، ترجمه محمد آصف فکرت، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۶۸ش.
- مشکور، محمد جواد، فرهنگ فرق اسلامی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۸۷ش.
- مکارم شیرازی، ناصر، دائرة المعارف فقه مقارن، قم، امام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۴۲۷.
- مهتدی بحرانی، عبدالعظیم، علماء البحرين: دروس و عبر، بیروت، موسسه البلاغ، ۱۳۷۳ش.
- نوری، حسین بن محمدتقی، خاتمه المستدرک الوسائل، قم، موسسه آل البيت (ع)، ۱۳۷۳ش.
- یاقوت حموی، معجم البلدان، ترجمه علینقی منزوی، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۸۰ش.
- یوسفی اشکوری، حسن، «آل عصفور»، دائره المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران، دائره المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۴ش.
- Alrasheed, Rashed, «The Divine Gaps between the usuli and Akhbari in Bahrain, Causes and Repercussions» Religions, vol.11, No.7, 2020, p2-14.
Doi: <https://doi.org/10.3390/rel11070321>
- Cole, Juan, «Shii Clerics in Iraq and Iran 1722-1780: The Akhbari-Usuli Conflict ReconsideredI», Iranian Studies, vol.18, No.1, 1985, p3-34.
- Gleave, Robert, *Scripturalist Islam: The History and Doctrines of the Akhbari shii School*, Leiden, Brill, 2007.